

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۷۰ - ۱۸۴

## واکاوی مسأله مشورت در اندیشه اسلامی با تأکید بر سیره نبوی (ص)

سمیه جلالی<sup>۱</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>

زهرا شمس<sup>۳</sup>

عمران منصوری طلب<sup>۴</sup>

### چکیده

مشورت و نظرخواهی از دیگران یکی از عوامل مهم و مسائل حیاتی در تصمیم گیری، و ارزنده ترین دستورهای شریعت جهت سلامت جامعه و رسیدن به اهداف والای انسانی است. مشورت یعنی مراجعه به افراد آگاه و مطلع برای راه یابی به حل مسله و بهرگیری از تجارب و آگاهی دیگران است. که نقش مهمی در زندگی ایفا می کند و در متون و تعالیم اسلامی به مشورت و اهمیت آن توصیه های فراوانی شده چون این امر از استبداد و خود محوری جلوگیری می کند و برای دست یابی به افکار و اندیشه های ناب و برتر، موثر و مفید تلقی می شود اما متأسفانه در جوامع امروزی این مسأله کمتر مورد توجه قرار می گیرد و افراد روز به روز به تک روی و بی نیاز دانستن خود از مشورت متمایل می شوند. به همین خاطر بر آن شدیم تا این امر مهم را در دین مبین اسلام بر اساس آیات و سیره انبیا مورد تبیین و بررسی قرار دهیم. تا انسان ها شور و مشورت را که پیشینه آن به تاریخ انسانی برمی گردد را در برنامه های زندگی خود قرار دهند؛ چرا که شعاع فکر و اندیشه دیگران راه آدمی را روشن می سازد و این روشنایی زمینه ساز خیر و سعادت انسان در زندگی فردی و اجتماعی او می گردد. در این مقاله که به روش کتابخانه ای جمع اوری شده است، تشکیل شده از سه

۱. سطح دو (کارشناسی)، علوم حوزوی، حوزه علمیه خاهران حضرت رقیه (سلام الله علیها)، شهر رامهرمز، استان خوزستان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

s.k.a@chmail.ir

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم،

kariminia@quran.ac.ir

۳. فارغ التحصیل سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، از حوزه علمیه خاهران، پژوهشگر، فعال فرهنگی و مدرس حوزه علمیه حضرت فاطمه معصومه (س)، شهر اندیکا، استان خوزستان، ایران، [Zahrashams32218@yahoo.com](mailto:Zahrashams32218@yahoo.com)

۴. دارای مدرک سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، طلبه سطح چهار (دکتری)، مدرس حوزه علمیه و استاد دانشگاه آزاد اسلامی، شهر بشاگرد، استان هرمزگان و استاد دانشگاه هرمزگان، شهر بندرعباس، استان هرمزگان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی.

omranmansory6507@gmail.com

بند اصلی که اولین بند آن مفهوم شناسی مشورت را بیان کرده و بند دوم نقش و اهمیت مشورت در سیره انبیا و بند سوم به بررسی ضرورت بهره گیری از مشورت پرداخته و در پایان جمع بندی صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** اهمیت مشورت، سیره معصومان، مشورت.

مقدمه

مشورت در لغت به معنی کنکاش کردن و رای و تدبیر خواستن و در اصطلاح مراجعه به افراد آگاه و مطلع برای راه یابی به حل مساله و بهره گیری از تجارب و آگاهی های دیگران است. نقش مشورت در زندگی و دنیای امروز نقش اساسی است. به خاطر اینکه در دنیای امروز به دلیل وسعت موضوعات و پیچیدگی مسائل و گستردگی اطلاعات زندگی بدون مشورت و مشارکت و هم فکری با دیگران امکان پذیر نیست.

از این رو عاقل ترین افراد کسانی هستند که در مشورت، بیش از دیگران اهتمام می ورزند. مشورت کردن باعث می شود که انسان ها در امور مهم زندگی و آینده بهترین تصمیم را بگیرند و دچار لغزش و استباه نشوند؛ اما به شرط اینکه از شخص شایسته و صاحب نظر مشورت بگیرد.

پیامبر اعظم (ص) با وجود برخورداری از ملکه عصمت و بی نیازی از مشورت با اصحاب خویش مشورت و رایزنی می کردند.

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ، (آل عمران: ۱۵۹)؛

و در امور با آنان مشورت نما، پس هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خداوند توکل کن».

مطابق این آیه پیامبر عظیم الشان مشورت را همواره سرلوحه امور خود قرار می داد. از آن جا که مشورت به انسان کمک می کند تا افکار و اندیشه های دیگران، بویژه صاحب نظران و متخصصان را به یاری طلبد و با قرار دادن افکار و اندیشه های آنان در کنار فکر و نظر خودش، بر قدرت و وسعت و عمق اندیشه و بینش خود بیفزاید. به همین خاطر بر آن شدیم تا این امر مهم را که پیشینه ای به اندازه زندگی اجتماعی او دارد را در برنامه های اساسی زندگی خود قرار دهد و در امور مهمی که در سرنوشت او تاثیر یا تعیین مسیر زندگی او هستند بتواند بهتر و عاقلانه تر تصمیم بگیرد و از خود رای و خودسری که بزرگترین آفت هست دوری کند.

مقاله حاضر که با هدف بررسی مشورت و اهمیت آن در سیره انبیا نگارش یافته است تا بر اساس آموزه های دینی و آیات قرآن در باب مشورت در پی پاسخگویی به سوالات زیر باشد.

جایگاه و اهمیت مشورت در سیره نبوی را بیان کنید؟ دلایل ضرورت بهره گیری از مشورت چیست؟

با تامل در آیات و روایات می توان نتیجه گرفت که مشورت و مشاوره به معنای رایزنی و بهره گیری از اندیشه و نظر دیگران است که در اسلام و در منطق عملی پیشوایان از اهمیتی بسیار برخوردار است و به عنوان عملی رشد دهنده و فایده رساننده مطرح شده است. که روایات متعددی از معصومان بیانگر جایگاه بنیادی و اهمیت اساسی این سنت الهی است و در نگاه پیشوایان دین مشورت کننده بر جانب مشرف و رستگاری و از خطا ایمن و به دور است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با وجود آنکه نیازی به مشورت نداشت برای زنده ساختن و زنده نگاه داشتن آن در جامعه بیش از هر کس مشورت می کرد و مهم ترین دلیل ضرورت بهره گیری از مشورت، نارسایی فکری و عقلی بشری است انسان ها همواره نیازمندی ها و امور مشکل و پیچیده خودش را که خارج از توان عقلشان بوده با کمک عقل جمعی و هماهنگی وحدت به نتیجه رسانده و پیشرفت های علمی بشر در پرتو همین هم اندیشی ها به دست آمدند.

و دومین دلیل لزوم بهره گیری از مشورت دلیل نقلی بوده اسلام برای نخستین بار در عصری که حاکمان با خود رایبی و استبداد به تدبیر جامعه می پرداختند با طرح مسله شورا در آیه های قرآن به آرا اندیشه هایکایک افراد جامعه ارج نهاد و خداوند برای نشان دادن اهمیت این مطلب یک سوره با عنوان (شوری) بر رسول خدا نازل کرد.

بند اول: مفهوم شناسی

۱- سیره

الف: سیره در لغت

سیره در زبان عربی از ماده «س ی ر» است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن « فعله» است و در زبان عربی، دلالت بر نوع می کند. ابن منظور می گوید: سیره از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیئت می باشد.<sup>۱</sup>

ب: سیره در اصطلاح

در اصطلاح نیز سیره عبارت است از بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ بر انجام کاری و یا بر ترک آن.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، سیره عبارت است از استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی.<sup>۲</sup>

## ۲- مشورت

الف: مشورت در لغت

مشورت از ماده «شور» است که در لغت به معنای برداشتن و استخراج عسل از کندوی زنبور عسل است.<sup>۳</sup>

واژه‌های «مشاوره» و «مشورت» از ماده «شور» به معنای استخراج رأی و نظر صحیح است.<sup>۴</sup>

ب: مشورت در اصطلاح

و در تعریف اصطلاحی کلمه «تساور»، «مشاورت» و «مشورت» به معنای استخراج رأی صحیح است؛ این که آدمی در مواقعی که خودش در باره کاری رأی صحیح ندارد، به دیگران مراجعه و از عقل و تجارب آنان استفاده نماید.<sup>۵</sup>

واژه شورا نشان دهنده دو مفهوم است: یکی عام و دیگری خاص. مفهوم عام شورا، هرگونه هم فکری و تبادل نظر را در برمی گیرد، هر چند فاقد جنبه الزامی باشد؛ [ولی] مفهوم محدود شورا، نشانه پیمان الزامی است که از سوی مجموعه ای از افراد [جمع منتخب] صادر می شود.<sup>۶</sup>

در واقع، در مفهوم عام که مشورت نامیده می شود، دو طرف وجود دارد: یکی مشورت کننده و دیگری مشاور که مشورت خواه از مشاور، درباره موضوع هایی که از نظر شرع مقدس اسلام مانعی برای مشاوره نیست، نظرخواهی می کند و در پذیرش نظر مشاور خود، اختیار دارد و هیچ الزامی در آن نیست.

شورا در مفهوم محدود و خاص، افرادی را در بر می گیرد که وظیفه بررسی، استخراج و تدوین احکام و قوانین برابر با موازین شرعی و عقلی را به عهده دارند و بر اجرای آن هم نظارت می کنند.<sup>۷</sup>

۱. قلی‌زاده، واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه، ص ۱۲۰.

۲. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، ص ۴۹۴.

۳. قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸۸.

۴. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۶۹.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۶۳.

۶. میرموسوی، تأملی در فقه و شورا و مشورت، ص ۲۴۴.

۷. بافکار، حلقه تدبیر، ص ۱۳.

بند دوم: جایگاه و اهمیت شورا و مشورت در سیره نبوی

شور و مشورت و مشاوره و شورا به معنای رایزنی و بهره‌گیری از اندیشه و نظر دیگران، در اسلام و در منطق عملی پیشوایان حق از اهمیتی بسیار برخوردار است، و به عنوان عملی رشد دهنده و فایده رساننده مطرح شده است؛ و این با مفهوم اصلی شورا سازگار است، زیرا شورا در اصل از «شَارَ الْعَسَلِ» گرفته شده است که به معنای بیرون آوردن عسل از کندو و عسل استخراج شده است.<sup>۱</sup> و روایات متعدد از معصومان (ع) بیانگر جایگاه بنیادی و اهمیت اساسی این سنت اسلامی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی مشهور به علی (علیه السلام) فرمود:

«لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوِرَةِ»<sup>۲</sup>

هیچ پشتیبانی اطمینان بخش تر از مشورت نیست».

مشورت کردن در امور مایه پشت گرمی و خاطر جمعی است، و خوب یاری کردن یکدیگر، در مشورت کردن است، زیرا با مشورت است که هر یک دیگری را به آن چه صلاح او باشد راهنمایی می‌کند و راه درست نمایان و موفقیت حاصل می‌شود. و هر که با عاقلان و خردمندان مشورت کند به دورانندیشی و درستی [گفتار و کردار] رسد.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، مشورت کردن دیده راه یافتن است،<sup>۴</sup> و گردآوردن خوبی‌ها و خیرها در مشورت کردن است. هر که با خردمندان مشورت کند به انوار خردهای آنان روشنی یابد؛ و هر که با مردمان مشورت نماید، خود را در خرد آنان شریک سازد.<sup>۵</sup>

فرمان «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»<sup>۶</sup> برای رشد دادن مردمان و کرامت نمودن آنان است، تا به سنت نیکوی مشورت آراسته شوند و بدانچه در اهمیت شورا گفته شد، دست یابند.

در نگاه پیشوایان دین مشورت‌کننده بر جانب و مشرف بر رستگاری است، و از خطا ایمن و به دور است. از همین روست که آنان مکرر و مؤکد به پاسداشت مشورت سفارش کرده‌اند، چنان که حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمِنِ اللَّوْمَ وَالنَّدَمَ»<sup>۱</sup>

۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۳۱۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.

۳. تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۹۶.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۵.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱.

۶. آل عمران: ۱۵۹.

با خردمندان مشورت کن، تا از لغزش و پشیمانی در امان مانی».

در منطق پیشوایان دین، هیچ خردمندی از مشورت کردن بی‌نیاز نمی‌شود،<sup>۲</sup> و آن که خود را بی‌نیاز از مشورت بیند و در کارها بر عقل و رأی خود اعتماد کند، خویشتن را به مخاطره افکند، و گمراه شود؛ و آن که به رأی و اندیشه خود اکتفا کند، هلاک گردد.

شورا از چنین جایگاهی برخوردار است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نه تنها خود مشورت می‌کرد، بلکه توصیه می‌نمود و تأکید می‌کرد که مسلمانان چنین کنند و به سیره او تأسی نمایند. امام علی (علیه السلام) گوید: چون پیامبر (ص) مرا به یمن اعزام می‌نمود وصیایی کرد، از جمله فرمود:

«يَا عَلِيُّ مَا حَارَ مَنْ اسْتَحَارَ، وَ لَا نَدِمَ مَنْ اسْتَشَارَ»<sup>۳</sup>

ای علی! کسی که از خدا طلب خیر کرد سرگردان نشد و کسی که مشورت نمود، پشیمان نگشت».

هرگز کسی از استبداد رأی سود نبرده و کسی از مشورت کردن زیان ندیده است؛ و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدرستی فرمود:

«مَا شَقِيَ عَبْدٌ بِمَشُورَةٍ وَ لَا سَعِدَ بِاسْتِعْنَاءِ رَأْيٍ»<sup>۴</sup>

هیچ بنده با مشورت، شقی نشود و با استبداد به رأی، سعید و خوشبخت نشود».

مشورت سبب می‌شود که انسان با بهره‌گیری از خرد دیگران، موارد صواب و خطا را بهتر بشناسد و از فرو رفتن در خطاها اجتناب نماید. به بیان امام علی (علیه السلام):

«مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»<sup>۵</sup>

کسی که از آراء مختلف استقبال کند (و نظرات متفاوت را بررسی نماید)، موارد خطا را خواهد شناخت».

بی‌گمان برای پرهیز از اشتباه و جلوگیری از لغزش، راهی بهتر و مفیدتر از مشورت کردن و تضارب آرا نیست. آن چه راست و درست است در رویارویی اندیشه‌ها و نظرها و تلاقی آرا و افکار ظهور می‌کند؛ چنان که امیر بیان، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

۱. تمیمی آمدی، شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۱۷۹.

۲. همان، ج ۶ ص ۳۸۹.

۳. رازی، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۶۷۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۷۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲.

«اضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ»<sup>۱</sup>

آرای خود را با یکدیگر در میان گذارید، تا اندیشه درست، پدید آید».

در سایه سنت مشورت است که خطاها خود را می‌نمایاند و راه درست انتخاب می‌گردد و پشیمانی‌ها کاسته می‌شود. مشورت در نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سخت مورد توجه بود و آن حضرت در آموزه‌های خود با تأکید بدان توصیه می‌نمود؛ چنان‌که می‌فرمود:

«مَنْ أَرَادَ أَمْرًا فَشَاوَرَ فِيهِ، وَقَضَىٰ لِلَّهِ، هُدًى لِّلْأَرْشَادِ الْأُمُورِ»<sup>۲</sup>

هر که تصمیم به اجرای کاری گیرد و برای آن مشورت کند و انجام دهد، به بهترین راه دست یابد».

و برترین نمونه مدرسه نبوی، علی (علیه السلام) نیز می‌فرمود:

«إِذَا عَزَمْتَ فَاسْتَشِرْ»<sup>۳</sup>

هرگاه برای کاری تصمیم گرفتی، مشورت کن».

سلامت تصمیم‌گیری‌ها در گرو مشورت است. جامعه‌ای که فاقد سنت مشورت است، در تب و تاب خودمحوری‌ها و خودسری‌ها می‌سوزد و در عدم اعتدال سیر می‌کند؛ و جامعه‌ای که در آن مشورت و شورا اصلی مُسَلَّم تلقی می‌گردد و از اجزای حیات آن شمرده می‌شود، بهترین راه و مناسب‌ترین مسیر در برابرشان گشوده می‌گردد، همان‌طور که رسول حق (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا هُدُوا لَأَرْشَادِ أَمْرِهِمْ»<sup>۴</sup>

هیچ مردمی با هم مشورت نکردند، مگر آن‌که به بهترین مسیر هدایت شدند».

اصولاً مردمانی که امور مهم خود را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند، کمتر گرفتار لغزش و پشیمانی می‌شوند، و آنان که گرفتار خودرأیی و استبدادند، هرچند افراد فوق‌العاده‌ای باشند، غالباً در اشتباه به سر می‌برند و گرفتار تنش‌های اجتماعی - سیاسی‌اند. فقدان سنت مشورت در جامعه - شخصیت مردمان را تحلیل می‌برد و رشد افکار را متوقف می‌سازد. چنین مردمانی شایستگی زندگی حقیقی را از دست می‌دهند؛ چنان‌که در حدیث شریف نبوی به این حقیقت اشاره شده است:

۱. تمیمی آمدی، شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. آلوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۲۵، ص ۴۶.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۴۰۷.

۴. سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۹۰.

«إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خَيْرًاكُمْ وَ أَعْنِيَاؤُكُمْ سَمَحَاءَكُمْ وَ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَ إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شَرًّاكُمْ وَ أَعْنِيَاؤُكُمْ بُخَلَاءَكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا»<sup>۱</sup>

هر گاه امیران شما، نیکانتان و ثروتمندان شما، سخاوتمندان باشند و در کارتان در میان خود مشورت کنید، در این صورت، روی زمین برای شما بهتر از دل زمین خواهد بود و اگر امیران شما، بدان شما و ثروتمندانتان، خسیس های شما باشند و امورتان به دست زنانان افتد، پس دل زمین برایتان بهتر از روی زمین است».

ملاحظه می شود که در نظر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جامعه ای با رهبران خودکامه و توانگران تنگ چشم و فاقد سنت مشورت، حق حیات ندارد. در نگاه پیامبر (ص)، شورا چنین جایگاهی دارد و از عوامل اصلی حیات بخش جامعه هاست. از این رو، آن حضرت با وجود آن که نیازی به مشورت نداشت، برای زنده ساختن و زنده نگاه داشتن جامعه، بیش از هر کس مشورت می کرد؛ و این امر مشخص می کند که شور و مشورت تا چه پایه اهمیت دارد. مردمان بیدار و آگاه، و اهل صلاح و سداد، و آنان که رشد یافته اند، اهل مشورتند.

در کلام الهی، در اهمیت، جایگاه و اعتبار مشورت آمده است:

«فَمَا أَوْتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ؛ وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ»<sup>۲</sup>

آنچه به شما داده شده بهره زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و باقی تر است؛

و کسانی که از گناهان کبیره و زشتی ها پرهیز می کنند و چون خشم و غضب کنند، می بخشدند؛

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارشان با مشورت

میانشان انجام می گیرد و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند؛

و کسانی که هرگاه به آنان ستمی رسد، (تسلیم نمی شوند و) یاری می طلبند».

۱. رازی، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۶۷۴.

۲. شوری: ۳۹-۳۶.



در این آیات شور و مشورت در کنار کمالات اخلاقی و نماز و انفاق و جهاد، و به عنوان یک ویژگی اساسی از ویژگی‌های انسان رشد یافته آمده است. علامه طباطبایی متذکر شده است که در جمله: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»<sup>۱</sup> اشاره شده است که آنان مؤمنان اهل رشد و اهل عمل به واقع هستند که در به دست آوردن و استخراج رأی و نظر صحیح دقت می‌کنند و به خردمندان مراجعه می‌نمایند. در نتیجه آیه شریفه از نظر معنا به آیه: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»<sup>۲</sup> نزدیک است.<sup>۳</sup> انسان‌های کمال یافته پایبند به شور و مشورتند و وارد هیچ کاری نمی‌شوند و دست به هیچ عملی نمی‌زنند، مگر آن که ابتدا مشورت کنند؛ و این ویژگی از شدت دوران‌دیشی و بیداری و هشیاری آنان در امور است. انسان‌های کمال یافته به کاری پیش از مشورت اقدام نمی‌کنند، زیرا بدرستی دریافته‌اند که:

«مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا وَفَقُوا لِأَحْسَنِ مَا يَحْضُرُهُمْ؛»

هیچ مردمی در کارهایشان با یکدیگر مشورت نکردند، مگر آن‌که به بهترین راه‌های موجود دست یافتند».

انسان‌های هدایت یافته با یکدیگر مشورت می‌کنند و به هیچ وجه استبداد رأی نمی‌ورزند، زیرا از خودپرستی و خودخواهی خارج شده‌اند و در خیرخواهی و بیان آن به یکدیگر اعتماد دارند.<sup>۴</sup> بند سوم: ضرورت بهره‌گیری از مشورت

امروزه به دلایلی، بهره‌گیری از مشورت برای همگان، چه در حوزه انتخاب شدگان و تصمیم‌گیران مصالح مردم و چه در حوزه مسائل فردی و اجتماعی ضروری است که اکنون به آنها می‌پردازیم.

۱. دلیل عقلی در بهره‌گیری از مشورت

اولین و مهم‌ترین دلیل برای مشورت، نارسایی فکری و عقلی بشر است. انسان‌ها همواره نیازمندی‌ها و امور مشکل و پیچیده خود را که خارج از توان عقلشان بوده، با کمک عقل جمعی و

۱. شوری ۳۸.

۲. زمر: ۱۸.

۳. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۶۳.

۴. طوسی، تفسیر التبیان، ج ۹، ص ۱۶۸.

۵. دلشاد تهرانی، سیره نبوی، ج ۲، ص ۳۲۵-۳۳۲.

هماهنگی و وحدت به نتیجه می‌رسانند. بدیهی است که پیشرفت‌های عملی بشر نیز جملگی در پرتو هم‌اندیشی انسان‌ها به دست آمده است.

مسئله مشورت تا آن‌جا اهمیت می‌یابد که از حصار یک کارخانه، مدرسه، دانشگاه، روستا، شهر، اُستان و کشور فراتر رفته و تمامی جهان را زیر سیطره نفوذ خویش قرار می‌دهد، به گونه‌ای که ابرقدرت‌های بزرگ با ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی متضاد هم، خود را بی‌نیاز از یکدیگر ندانسته و برای بهره‌گیری از مواهب بیش‌تر و نیل به اهداف بزرگ‌تر، دست یکدیگر را فشرده و با هم رازینی می‌کنند.

مهم‌تر این‌که امروزه شورا، فرآیندی برای تقویت هم‌بستگی اجتماعی است که در قیاس با هم‌بستگی‌های قومی، خونی و عشیره‌ای قوی‌تر است و در این برهه که هم‌بستگی‌های سنتی، جایگاه خود را یکی بعد از دیگری از کف می‌دهند، شورا به جهت ریشه داشتن در مکتب ارزشمند اسلام، می‌تواند ریشه‌های هم‌بستگی اجتماعی را تقویت و با مستحکم‌تر کردن رابطه ملت و دولت از بروز بحران پیش‌گیری کند<sup>۱</sup>

۲. دلیل نقلی در بهره‌گیری از مشورت

دومین دلیل لزوم مشورت، دلیل نقلی است. اسلام برای نخستین بار در عصری که حاکمان با خودرأیی و استبداد به تدبیر جامعه می‌پرداختند، با طرح مسأله شورا در آیه‌های قرآن، به آراء اندیشه‌ها و استعداد‌های یکایک افراد جامعه ارج نهاد. خداوند برای نشان دادن اهمیت این مطلب، یک سوره را با عنوان «شورا» بر رسول خدا (ص) نازل کرد و در چند مورد، از جمله در تبیین ویژگی‌های مؤمنان، تأیید روش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مشورت زن و شوهر در امور خانوادگی به آن پرداخته است.<sup>۲</sup>

الف) تبیین ویژگی‌های مؤمنان

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ؛<sup>۳</sup>

و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز بر پا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است.»

۱. بافکار، حلقه تدبیر، ص ۲۶-۲۷.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. سوری: ۳۷.

خداوند در این آیه، شورایی بودن امور زندگی مسلمانان را می ستاید و آن را از ویژگی های آنان برمی شمارد. همچنین از آن جا که مشورت را در ردیف اطاعت خدا و به جا آوردن نماز آورده، می توان به اهمیتی که اسلام برای آن قائل است، پی برد.

آیت الله جعفر سبحانی در تفسیر این آیه می نویسد: جامعه اسلامی باید مشکلات خود را از راه شور و تبادل افکار حل کند. البته شور و تبادل نظر، مربوط به شکل اجرایی یک اصلی است که برای نحوه پیاده کردن آن، دستور خاصی وارد نشده است، مانند برنامه های مربوط به بالا بردن سطح دانش و فرهنگ و گسترش عمران و آبادانی، پی ریزی یک اقتصاد سالم و توزیع کالا میان مردم و تشکیل ارتش و سپاه... و اموری که جامعه اسلامی بدان نیاز دارد.<sup>۱</sup>

در هر حال، مراد از «امر» در این آیه، نمی تواند امور شخصی باشد؛ زیرا این گونه مشورت ها همواره در تاریخ زندگی اجتماعی بشر برای تأمین منافع شخصی وجود داشته است. آن چه در این دستور قرآنی جدید و تازه به نظر می رسد، مشورت در مسائل عمومی جامعه، دولت و حکومت است؛ زیرا در حکومت های گذشته، برای نظر افراد جامعه، ارزشی قائل نبوده اند.

(ب) تأیید روش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

قرآن کریم، بار دیگر مسأله مشورت را به صورت یک فرمان الهی بیان کرده و التزام به آن را بر پیامبر خاتم (ص) مقرر می دارد. البته بر احترام به دیدگاه های هم زمان و همراهان مکتب نیز تأکید می ورزد و آن را از ویژگی های رهبری می داند:

«و شاورهم فی الأمر؛<sup>۲</sup>

و در کار [ها] با آنان مشورت کن».

این دستور، یک روش صحیح و عقلایی را به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گوشزد می کند. دستور همگانی است و مراد فقط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، گرچه ظاهر آیه خطاب به خود آن حضرت است؛ زیرا دستورهای خداوند، حکم کلی و فرمان عمومی است که پیامبر اسلام (ص) و پیروان او را در هر عصر و زمان و هر منطقه و مکانی شامل است.<sup>۳</sup>

جالب این که این آیه، در زمانی نازل می شود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از جنگ اُحد، در باره چگونگی رویارویی با دشمن، با یاران خود مشورت کرده بود و نظر آنان، نتیجه

۱. سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۴۵۲.

۲. آل عمران: ۱۵۹.

۳. بافکار، حلقه تدبیر، ص ۲۸.

رضایت بخشی هم در پی نداشت؛ در جنگ اُحد، یک نظر آن بود که سپاهیان اسلام در مدینه بمانند و از شهر حفاظت کنند و نظر دیگر آن بود که شهر را برای استقبال از دشمن ترک گویند و در خارج از شهر با دشمن رویارو شوند. رأی پیامبر بر نظر اول بود و رأی اکثریت بر نظر دوم، ولی حضرت بر اساس اعتقادی که به مشورت داشت، نظر دوم را بر نظر خود ترجیح داد؛ گرچه سرنوشت جنگ، نظر پیامبر را تأیید کرد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی در این باره می گوید: خداوند با نزول این آیات، روش پیغمبر خود را امضا کرده است... که اصولاً پیغمبر جز بر طبق امر الهی قدم بر نمی دارد و روش متین او، [ مشورت ] مورد تصویب و رضای الهی است.<sup>۲</sup>

در واقع، باید گفت که قرآن با این فرمان، اصل مشورت را تحکیم و به عنوان یک سنت پسندیده آن را تأیید می کند. ممکن است مشورت در پاره ای از موارد نتایج سودمندی به بار نیاورد، ولی در مجموع، منافع و آثار فردی و اجتماعی آن، به مراتب بیش تر از زیان های آن است. از این رو، نباید مشورت را به عنوان یک امر زودگذر و موقت تلقی کرد، بلکه باید به عنوان یک برنامه مستمر در جامعه اسلامی حاکم شود تا مردم و حکومت اسلامی، از پی آمدهای شیرین آن بهره مند گردند.

(ج) مشورت زن و شوهر در امور خانوادگی

«فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا»<sup>۳</sup>

پس اگر [ پدر و مادر ] بخواهند کودک را [ زودتر ] از شیر باز گیرند، با مشورت هم این کار را انجام دهند».

خداوند در این آیه «به پدر و مادر، با همه علاقه و عاطفه ای که به فرزندانشان دارند، اجازه نمی دهد در امر تربیت و پرورش فرزندشان استبداد به خرج دهند [ و ] می فرماید با هم یا با دیگران (متخصص) مشورت کنند»<sup>۴</sup>.

در واقع، نگرش مکتبی اسلام در مسأله شورا، از چنان ظرافت و ژرفایی برخوردار است که حتی در مسائل بسیار کوچکی همانند «از شیر گرفتن فرزند» هم که در نظر همگان، امری عادی به شمار می

۱. سبحانی، تاریخ اسلام، ص ۱۱۱.

۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۰.

۳. بقره: ۲۳۳.

۴. استادی، شورا در قرآن و حدیث، ص ۴۹.

رود، دستور می دهد که پدر و مادر با هم مشورت کنند و صلاح فرزند خود را در نظر بگیرند. این در حالی است که مادر، در شیردادن یا شیر ندادن به فرزندش اختیار تام دارد.

بر این اساس، می توان گفت که اسلام با طرح موضوع مشورت در اولین و کوچک ترین نهاد اجتماع (خانواده) بر آن است که روح تفاهم، همدلی و همراهی را در آن حاکم کند و استبداد رأی را عقیم سازد و با تعمیم و گسترش آن تا بالاترین سطح در جامعه و حکومت (ارائه نظر مشورتی در صورت نیاز)، زمینه را برای رشد و ترقی افراد جامعه فراهم آورد بدیهی است وقتی افراد خانواده فرآینگرند که در امور شخصی و خانوادگی خود مشورت کنند، نمی توانند پیشنهادهای مشورتی خود را در زمینه امور اجرایی و حکومتی در جامعه ارائه دهند.

(د گفتار و رفتار پیشوایان معصوم (علیهم السلام)

افزون بر آیات قرآن، رفتار و گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام بویژه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام) هم چون آینه تمام نمایی، بیانگر ارج نهادن آن بزرگواران به اصل الهی شورا است، به گونه ای که تنها در یک مورد پژوهش، یکی از پژوهشگران اسلامی، موفق به جمع آوری حدود دویست حدیث و روایت از منابع گوناگون از معصومین علیهم السلام در موضوع مشورت شده است. البته به یقین با تلاش بیش تر، به روایات دیگری در مورد مشورت می توان دست یافت.

به هر حال، همه موارد یاد شده، نشان دهنده جایگاه والای مشورت و شورا در آیین اسلام است و به لطف و عنایت الهی، روز به روز بیش از گذشته، جایگاه خود را در جامعه اسلامی ما مستحکم تر می کند.<sup>۱</sup>

نتیجه

مشورت کردن نتایج مثبت و ارزشمندی از نظر فردی و اجتماعی دارد و در اسلام به این امر مهم اهمیت فوق العاده ای داده شده است پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علاوه بر آنکه در روایات بسیاری به اهمیت آن اشاره کرده و ابعاد و زوایای آن را روشن ساخته، خود نیز در عمل به این امر مهم بها داده است و بارها در تصمیم گیری های خود با وجود دارا بودن ملکه عصمت و بی نیازی از مشورت به این امر مبادرت ورزید. و اصولاً افرادی که کارهای مهم خود را مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می دهند، کمتر گرفتار خطا و لغزش می شوند و کسانی که گرفتار استبداد رأی هستند

و خود را بی نیاز از افکار دیگران می دانند، هر چند از نظر فکری فوق العاده باشند باز هم گرفتار اشتباهات خطرناک می شوند. بنابراین مشورت موجب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل و علم خویش می شود تا کمتر دچار خطا و لغزش شوند. با توجه به جایگاه و اهمیت مشورت و نادیده گرفتن این امر مهم و کمرنگ شدن جایگاه آن در زندگی های امروزی توصیه می کنم که نقش مشورت و اهمیت آن بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد، تا با الگوگیری از سیره انبیا به بیشتر شناساندن جایگاه مشورت و استفاده از نظر و افکار افراد با تجربه و صاحب نظر بتوانند تصمیم های درستی بگیرند و از مواهب خداوندی بشری استفاده کنند.

منابع

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۶، بیروت: دار صادر، بی تا.
۲. استادی، رضا، شورا در قرآن و حدیث، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۶۰ هـ.ش.
۳. آلوسی بغدادی، شهاب الدین أبوالفضل محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۲۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۴. بافکار، حسین، حلقه تدبیر، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، شرح غررالحکم، ج ۵ و ۴ و ۲ و ۱، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۶. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۸، چاپ دهم، تهران: کتابچی، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، ج ۲، تهران: دریا، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۸. رازی، جمال الدین أبوالفتوح حسین بن علی، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، بی جا: مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ چهارم، تهران: الحوراء، ۱۳۸۱ هـ ش. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۱۸ و ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۰. زبیدی، محمد مرتضی، **تاج العروس**، ج ۳، بیروت: دار مکتبه الحیاء، بی تا .
۱۱. سبحانی، جعفر، **تاریخ اسلام**، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۵ هـ ش.
۱۲. \_\_\_\_\_، **مبانی حکومت اسلامی**، بی جا: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهداء، ۱۳۷۰ هـ ش.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور**، ج ۱، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، **تفسیر التبیان**، ج ۹، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۱ هـ ش.
۱۵. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۴، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ هـ ش.
۱۶. قلی‌زاده، احمد، **واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه**، تهران: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ هـ ش .
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۸، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۷۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ ش.
۱۹. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، **فرهنگ نامه اصول فقه**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ هـ ش.
۲۰. میرموسوی، علی، « **تأملی در فقه و شورا و مشورت**»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴، ۱۳۷۹ هـ ش.